

نی+کتاب

ماجراجویی‌های فانتزی در کوهستان‌ها

گفت‌وگو با **سجاد خالقی**
نویسنده رمان «مه و دود»

داستان «مه و دود» در فضایی سرد و کوهستانی در استان چهارمحال و بختیاری و در دهه۱۳۲۰ شمسی اتفاق می‌افتد. شخصیت‌های این رمان یک شکارچی، یک مزدور و یک سلاخ هستند که برای رسیدن به انتهای «تنگه زندان» ابتدا باهم همکاری می‌کنند، اما در آخر کارشان به دشمنی و جنگ کشیده می‌شود. نویسنده این کتاب سجاد خالقی است. با او گپ‌وگفتی درباره این کتاب داشته‌ایم.

چرا رمان «مه و دود» را نوشتید؟

ایده اولیه این رمان از علاقه من به ادبیات بومی و داستان‌های ژانری شکل گرفت. همیشه احساس می‌کردم فرهنگ، جغرافیا و روایت‌های محلی ایران ظرفیت بسیار بالایی برای داستان‌پردازی دارند، اما کمتر در قالب آثار ژانری

به آن‌ها پرداخته شده است. به همین دلیل تلاش کردم این ظرفیت‌ها را در قالب یک رمان به کار بگیرم.

بسیاری از آثار موفق ادبی جهان بر پایه فرهنگ، جغرافیا و هویت بومی شکل گرفته و توانسته‌اند مخاطبان زیادی را جذب کنند. به اعتقاد من، هر منطقه از ایران چنین ظرفیتی دارد. در دنیای امروز که زندگی شهری و یکسان‌سازی فرهنگی بیش از گذشته ترویج پیدا کرده، ادبیات بومی می‌تواند تجربه‌ای تازه و متفاوت برای مخاطب ایجاد کند. از طرف دیگر، این فضا به نویسنده امکان می‌دهد روایت‌هایی اصیل، کمتر شنیده‌شده و دور از کلیشه ارائه کند.

در این اثر، عناصر ژانر وحشت، علمی‌تخیلی، فانتزی و

ماجراجویی را با فضای بومی تلفیق کرده‌ام تا روایتی متفاوت شکل بگیرد؛ همچنین، کوشیده‌ام بخشی از تاریخ را که کمتر درباره آن سخن گفته شده با نگاهی تازه و خلاقانه روایت کنم. برای من مهم بود که تاریخ صرفاً به‌عنوان یک پس‌زمینه در داستان حضور نداشته باشد، بلکه به بخشی از هویت داستان تبدیل شود و مخاطب را به شناخت بیشتر گذشته سرزمینش ترغیب کند.

آیا «مه و دود» را می‌توان در گونه ماجراجویی هم قرار داد؟

بله، اصولاً داستانی که برای نسل امروز می‌نویسیم باید از هیجان، پویایی و کشش داستانی بالایی برخوردار باشند تا بتوانند آن‌ها را جذب کنند. به نظر من، ابتدا باید

مخاطبمان را وارد دنیای داستان کنیم. زمانی که او با شخصیت‌ها همراه شود و از دنبال کردن ماجراها لذت ببرد، فرصت مناسبی برای انتقال مفاهیم و دغدغه‌های داستان نیز فراهم می‌شود. به همین دلیل تلاش کردم روایت «مه و دود» ضرباهنگی پرتحرک داشته باشد و اتفاقات داستان به‌گونه‌ای پیش برود که کنجکاوی مخاطب در طول روایت حفظ شود.

شخصیت اردشیر تا چه اندازه از واقعیت الهام گرفته است؟

اردشیر بیش از آنکه برگرفته از یک شخصیت واقعی باشد، نماینده بخش بزرگی از نسل امروز کشورمان است؛ کسی که در مسیر رشد، مسئولیت‌پذیری، شجاعت و

مواجهه با واقعیت‌های زندگی قرار دارد. به همین دلیل نمی‌توان برای او نمونه‌ای مشخص در دنیای بیرون معرفی کرد؛ اما بسیاری از مخاطبان می‌توانند بخشی از خود را در این شخصیت ببینند و مسیر رشد و بلوغ او را با تجربه‌های شخصی خود هم‌سو احساس کنند.

برای من مهم بود که اردشیر شخصیتی کاملاً دست‌نیافتنی یا بی‌نقص نباشد. او مانند هرکس دیگری با تردید، ترس و انتخاب‌های دشوار روبه‌رو می‌شود و همین تجربه‌ها به‌تدریج تغییرش می‌دهند. فکر می‌کنم مخاطب زمانی با یک شخصیت ارتباط برقرار می‌کند که بتواند احساسات و دغدغه‌های خودش را در او ببیند.

«تنگه زندان» در این داستان نماد یک مفهوم خاص است؟

«تنگه زندان» را نباید صرفاً یک نماد دانست؛ بلکه بخشی از تاریخ و جغرافیای ایران است که ظرفیت بالایی برای روایت داستان دارد. این مکان بستری مناسب برای بازآفرینی رویدادها و روایت اتفاقات تاریخی فراهم می‌کند و من نیز از همین ظرفیت برای پیشبرد داستان «مه و دود» بهره گرفته‌ام. تلاش کرده‌ام مکان‌های واقعی داستان تنها نقش یک پس‌زمینه را نداشته باشند. زمانی که داستان در جغرافیایی واقعی و ریشه‌دار شکل می‌گیرد، فضای آن برای مخاطب باورپذیرتر می‌شود و ارتباط او با روایت نیز عمیق‌تر خواهد بود.